

عرفات و بناهای آن در گذر تاریخ

احمد خامه یار*

چکیده:

سرزمین عرفه یا عرفات، از مشاعر مقدس نزدیک مکه مکرمه و بخشی از جغرافیای مقدس مناسک حج است که وقوف در آن، از ارکان حج تمتع به شمار می آید و این سرزمین، همه ساله در روز نهم ذی حجه، شاهد حضور چشمگیر حجگزاران مسلمان است. اهمیت و جایگاه دینی و معنوی عرفات و وقوف در آن، عاملی بوده تا به تدریج، در این سرزمین مساجد و بناهای متعددی ساخته شود. در این نوشتار، با استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی معتبر، تلاش شده است تا زمان تقریبی ساخت و پیدایش این بناها و تاریخچه و تحولات آنها در گذر تاریخ، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: عرفه، عرفات، مشاعر مقدسه، حج، جغرافیای تاریخی، عربستان سعودی.

مقدمه

عرفه یا عرفات، نام منطقه‌ای است که امروزه در فاصله حدود بیست کیلومتری شرق مکه مکرمه قرار دارد. این سرزمین، بخشی از مشاعر مقدس نزدیک مکه مکرمه و جغرافیای مقدس حجاز و حرمین شریفین به شمار می آید که همه ساله در موسم حج، برخی از مهم‌ترین مناسک حج در آن انجام می شود.

عرفه دورترین موقف از مواقف و مشاعر حج و در عین حال وسیع‌ترین آنها به شمار می‌آید و تنها موقفی است که خارج از محدوده حرم قرار دارد (پورامینی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۶۴).
 وقوف در عرفه، پس از احرام، واجب دوم از اعمال سیزده گانه حج تمتع است که از ظهر روز نهم ذی‌حجه، که روز عرفه نامیده شده، تا غروب آن، باید انجام شود.
 در احادیث و روایات دینی، وقوف در عرفه از مهم‌ترین اعمال حج به شمار آمده است؛ چنان که از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است: «الحج عرفه»؛ «حج، عرفات است.» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵۲ و ج ۵، ص ۵۶۱).
 معنای این حدیث آن است که اگر حجگزار، وقوف در عرفه را انجام ندهد، در واقع حج را ادا نکرده است.

همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز، از وقوف در عرفه و رمی جمرات، به «حج اکبر» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۶۵). وجود این روایات اهمیت وقوف در عرفه را، به عنوان یکی از ارکان حج، و وجود روایات متعدد دیگری که در عفو و مغفرت الهی برای حجگزاران در زمین عرفه وارد شده (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۱؛ حمیری، ۱۴۰۳ق، ص ۳۷۶)، اهمیت آن را از منظر اسرار و آداب حج می‌رساند.
 بر این اساس، از منظر فقه مذاهب مختلف اسلامی نیز ترک عمدی وقوف در عرفات موجب باطل شدن حج می‌شود؛ چنان که برای نمونه، شیخ طوسی (در گذشته ۴۶۰ق.) در این باره گوید: وقوف در عرفات از ارکان حج است که هر کس آن را به عمد ترک کند، حج او باطل می‌شود و اگر فراموش کند، در صورتی که وقت باقی است، باید به عرفات برگردد و در آنجا توقف کند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، صص ۳۶۷-۳۶۶).

وجه تسمیه عرفه یا عرفات

نام عرفات از ریشه «عَرَفَ»، و مصدر آن عرفان و معرفت، به مفهوم شناخت آثار و نشانه‌های اشیای همراه با تفکر و تدبیر است (زبیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۴، ص ۱۳۳).
 لغت‌شناسان عرب، عرفه و عرفات را اسم معرفه‌ای دانسته‌اند که الف و لام در آغاز آن نمی‌پذیرد (جوهری، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۱۴۰۱؛ ابن منظور، ج ۳۲، ص ۲۹۰۱) و با این استعمال، گویی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند.

در وجه تسمیه عرفات، اقوال مختلفی نقل شده است؛ از جمله آنکه «مردم در آن جایگاه، به گناهان خود اقرار می‌کنند» یا اینکه «به علت صبر و رنجی که مردم برای

رسیدن به آن متحمل می‌شوند»، به این نام نامیده‌اند؛ چراکه یکی از معانی «عرف»، صبر است (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۱۰۴)؛ به قولی دیگر، وجه تسمیه عرفه آن است که مردم در آنجا با یکدیگر آشنا می‌شوند (ابن منظور، ج ۴، ص ۲۹۰۱).

اما در اخبار و روایات دینی، وجه تسمیه عرفات به حضور حضرت آدم علیه السلام یا حضرت ابراهیم علیه السلام در این سرزمین ارتباط یافته است؛ از جمله آنکه به یک قول، عرفه بدین نام نامیده شد؛ زیرا آدم و حوا پس از خروج از بهشت و فرود آمدن بر زمین، در این سرزمین یکدیگر را شناختند (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۱۰۴).

در روایتی دیگر، وجه تسمیه عرفات از زبان امام صادق علیه السلام چنین بیان شده است که جبرئیل در روز عرفه حضرت ابراهیم علیه السلام را همراهی کرد. سپس در هنگام ظهر به وی گفت: «ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و مناسک خود را بشناس.» پس به خاطر اینکه جبرئیل گفت: «اعتراف کن» و ابراهیم نیز چنین کرد، آنجا عرفات نامیده شد (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ص ۴۳۶).

در خبری که فاکهی در اخبار مکه نقل کرده، در وجه تسمیه عرفات آمده است: جبرئیل مناسک را به ابراهیم می‌آموخت و هر بار از او می‌پرسید: «هل عرفت؟»؛ و ابراهیم نیز پاسخ می‌داد: «عرفت»؛ از این رو، این زمین «عرفات» نامیده شد (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹). نزدیک به مضمون این خبر، اخبار دیگری نیز نقل شده است (فاکهی، همانجا؛ یاقوت حموی، همانجا).

جغرافیای طبیعی عرفات

عرفات دشتی هموار به مساحت حدود هشت کیلومتر مربع است که برخی از مورخان، طول و عرض آن را دو میل در دو میل گفته‌اند. سه طرف این دشت را از سمت شمال شرقی، شرق و جنوب، کوه‌هایی فرا گرفته است. این کوه‌ها، هلال یا کمانی را به وجود آورده‌اند که وتر آن را «وادی عُرَّنه» در سمت غرب و شمال غربی عرفات تشکیل می‌دهد.

کوه شمال شرقی عرفات «جبل سعد» نام دارد و بلندترین کوه در اطراف عرفات است. کوه شرقی «ملحّه» نام دارد و در گذشته، راه طائف از جنوب آن می‌گذشته است. حد فاصل میان دو کوه سعد و ملحّه در شرق عرفات، دره کوچکی است که «وادی النَّبِيعه» نام دارد.

در سمت جنوب عرفات نیز کوه‌های کم‌ارتفاع سیاه‌رنگی وجود دارد که بارزترین آنها کوه «أم‌الرضوم» نام دارد (البلاذی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۷۵).

سرزمین عرفات از جنوب به «وادی نعمان» و از غرب به «وادی عُرنه» متصل است که این دو وادی (دره رودخانه) در جنوب غربی عرفات به یکدیگر می‌پیوندند. گاه از مسیل وادی عرنه، با تعبیر «بطن عُرنه» یاد شده که حد فاصل عرفه و حرم مکه به شمار می‌آمده و در گذشته، دو عَلم در سمت شرقی و دو عَلم دیگر در سمت غربی آن، حدود عرفه و حرم را نشان می‌داده است.

در غرب دشت عرفه، دره باریک یا تنگه‌ای میان دو کوه وجود دارد که آن را «مَأَزَمِین» یا «مَأَزَمَان» (تثنیه مأزم) نامیده‌اند و مسیر رفتن حاجیان از عرفات به مُزدلفه یا مشعرالحرام، از میان این تنگه می‌گذرد (پورامینی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۶۷).

در برخی متون کهن، گاه مأزمین به عرفه مضاف و الحاق شده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، صص ۱۹۰-۱۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۶۸).

در سمت غربی وادی عرنه، کوهی نه چندان مرتفع، به نام «نَمِرَه» وجود دارد که بخشی از منطقه پیرامون آن، به نام این کوه نامیده شده است. این کوه در جنوب تنگه مأزمان، در سمت راست کسی قرار دارد که از مکه به سمت عرفه می‌رود و در سمت چپ کسی از عرفه باز می‌گردد (بلادی، ۱۴۰۱ق، اودیه مکه المکرمة، ص ۱۱۵).

در سده‌های اولیه، بالای کوه نمره، انصاب و علم‌های حرم قرار داشت. مورخان مکه به وجود غار کوچکی به ابعاد ۴ در ۵ ذراع، در پایین کوه اشاره کرده‌اند که محل اقامت پیامبر ﷺ در روز عرفه، پیش از رفتن به موقف بوده است. این غار بعدها در حجره‌ای در دارالاماره قرار گرفته و محل اقامت امام در روز عرفه بوده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۹).

همچنین در شمال دشت عرفات، کوه منفرد کوچکی است که در متون کهن، از آن به نام «جبلِ آلَال» (به فتح یا کسر همزه) یاد شده و نزد مسلمانان به «جبل الرحمه» شهرت یافته است. با توجه به اهمیت و جایگاه این کوه نزد مسلمانان حجگزار، به عنوان مهم‌ترین نماد و مشهورترین عارضه طبیعی عرفات، در ادامه این نوشتار، به تفصیل به بررسی این کوه پرداخته‌ایم.

جغرافیای انسانی عرفات

در اخبار دینی، سابقه سکونت در عرفات، به پیش از مهاجرت حضرت ابراهیم علیه السلام به مکه بیان شده است. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، بنی جرهم در آغاز در عرفات و ذوالمجاز (منطقه‌ای در شمال عرفات) ساکن بودند. اما با پیدایش زمزم و جاری شدن آب در مکه، که باعث جذب پرندگان و حیوانات به آنجا شد، جرهمیان حرکت پرندگان را دنبال کردند و از آن پس در مکه ساکن شدند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۶۳ - ۶۱).

مقدسی، عرفه را روستایی با کشتزارها، سبزه‌زارها و مزارع خربزه و خانه‌های نیکویی که مردم مکه در روز عرفه در آنها اقامت می‌کردند، توصیف کرده است (بشاری مقدسی، ص ۷۷). یاقوت اشاره کرده است که روستای عرفه، که نام آن «موصل النخل» بوده، به فاصله دو مایل پس از زمین عرفه - محل وقوف حُجَّاج - قرار داشته است (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۱۰۴).

از این اخبار برمی‌آید که در سده‌های اولیه، در عرفه یا حوالی آن، روستایی وجود داشته و اشخاصی در آن می‌زیسته‌اند و گاه با انتساب به آن، با نسبت «عرفی» از آنها یاد شده است؛ چنان که از میان راویان حدیث، شخصی را به نام «ابوعبدالله زَنفَل بن شدَّاد عرفی» می‌شناسیم که با توجه به اینکه مدتی در عرفه ساکن بوده، به آنجا منسوب شده است (سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۸، ص ۴۳۱).

ابراهیم رفعت پاشا، به برپایی بازاری به نام «سوق عرفه»، نزدیک جبل الرحمه در زمان خود اشاره کرده است که در آن، همه نوع غذا و خوراک فروش می‌رفته است (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۳۳۷). پیش از وی، عیاشی نیز به وجود بازار بزرگی در عرفه اشاره کرده است که همه چیز؛ از جمله مواد خوراکی فراوان، در آن عرضه می‌شده است (عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۳۸۹).

امروزه از خانه‌ها و مزارع در عرفات، اثری باقی نمانده است. اما در دوره اخیر، دولت عربستان درختان زیادی در عرفات کاشته که با رشد آنها، بر زیبایی این سرزمین افزوده شده است. در طول سال نیز اهالی مکه به عنوان تفریح به عرفه می‌آیند و از سایه درختان و منظره زیبای آن بهره می‌گیرند (قاضی عسکر، ۱۳۷۴ق، ص ۱۴۷).

حدود عرفه و علم‌های آن

در اخباری که مورخان مکه از ابن عباس نقل کرده‌اند، حد عرفه از کوه مشرف به «بطن عُرْنَه» تا کوه‌های عرفه تعیین شده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۴؛ فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷). در روایتی از امام صادق علیه السلام، حد عرفه از مَازِیْن تا انتهای موقف بیان شده است. اما در روایت دیگری از آن حضرت، حد عرفه از بطن عرنه، ثویّه و نمره تا ذوالمجاز دانسته شده و پشت جبل الرحمه، محل وقوف به شمار آمده است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۶۲).

در گذشته حدود حرم مکه از سمت عرفه با چندین علم یا علامت‌هایی تعیین شده بود که یک سمت آن (از سمت مکه) جزو «حرم»، و سمت دیگر آن (از سمت عرفات) «حِلّ» (خارج از حرم) به شمار می‌آمد. در دوره‌های متأخر، در مرز عرفات و حرم، چهار علم وجود داشته که دو علم غربی، حدود حرم و دو علم شرقی، حدود عرفه و محدوده شرعی موقف (محل وقوف) را نشان می‌داد.

«عُرْنَه» یا «بطن عُرْنَه» را منطبق بر حدّ فاصل میان دو علم شرقی و غربی دانسته‌اند. اما درباره اینکه جزو زمین عرفه یا جزو حرم به شمار می‌آمده، اختلاف نظر وجود داشته است؛ چنان که ابن حبیب مالکی (در گذشته ۲۳۸ق.) آن را بخشی از حرم، و برخی نیز آن را جزو عرفه دانسته‌اند؛ اما در فقه شافعی خارج از عرفه به شمار آمده است (الغازی، ج ۲، ص ۹۴-۹۳).

همچنین در روایاتی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چه در منابع اهل سنت به واسطه صحابه (طبرانی، ج ۱، ص ۵۹) و چه در منابع روایی شیعه به واسطه امام صادق علیه السلام روایت شده (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۶۳)، از وقوف در بطن عرنه نهی شده است. از این رو، شماری از فقهای شیعه آن را خارج از موقف (و در واقع خارج از محدوده عرفه) دانسته‌اند که وقوف در آنجا، مُجْزِی از وقوف در عرفه نیست (طوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۶).

برخی نویسندگان کهن، همچون ابن جبیر، تنها از وجود دو علم در حدّ عرفات سخن گفته‌اند که در فاصله دو میل از جبل الرحمه قرار داشت (ابن جبیر، ص ۱۵۱). علم‌های حدّ عرفات در شمال مسجد نمره، در فاصله نسبتاً کمی از آن قرار داشته‌اند و ابراهیم رفعت پاشا، ارتفاع آنها را ۵ و عرض آنها را ۳ متر تعیین کرده است (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

تقی‌الدین فاسی اشاره کرده است که در این محل، در اصل سه علم وجود داشته که در زمان وی، یکی از آنها فرو افتاده بود. کنار هریک از این علم‌ها، سنگ‌نوشته‌ای وجود داشت که بر اساس متن کتیبه آنها، این سه علم به دستور مظفرالدین کوکبوری، حاکم اربل، در سال ۶۰۵ق. ساخته شده بود. در کتیبه دو علم دیگر نیز آمده بود که این دو علم، در سال ۶۳۴ق. به دستور المستنصر بالله عباسی (خلافت: ۶۴۰ - ۶۲۳) ساخته شده بود (فاسی، ج ۱، صص ۵۶۶-۵۶۲).

مسجد عرفه

مسجد عرفه شاخص‌ترین بنای دینی موجود در عرفات به شمار می‌آید و از دیرباز تاکنون محل خطبه خطیب و اقامه نماز ظهر و عصر در روز عرفه بوده است (ابن جبیر، ص ۱۵۲). مورخان کهن، همچون ازرقی، از این مسجد به نام مسجد عرفه یاد کرده‌اند (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ کتاب المناسک، ص ۵۰۹). مقدسی نیز از آن به نام «مصلی» یاد کرده است (المقدسی، ۱۹۰۶م، ص ۷۷).

در رساله کهن وصف مکه و مدینه، از این مسجد به نام «شریعة ابراهیم» (رسالة فی وصف...)، صص ۳۴۹ - ۳۴۸). و در شمار دیگری از متون کهن، از آن به نام مسجد ابراهیم (ع) یاد شده است (ابن رسته، ۱۸۹۱م، ص ۵۷؛ ابن مازه، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹۸؛ ابن جبیر، ص ۱۵۲؛ العبدری، ص ۳۸۷).^۱ با این حال، ازرقی به وجود مسجد دیگری به نام ابراهیم (ع)، جز مسجد عرفه که امام در آن نماز می‌خواند، در سمت راست موقف اشاره کرده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۰۲؛ کتاب المناسک، ص ۵۱۰).

به نظر می‌رسد که این مسجد در محلی که در صدر اسلام «منبر عرفه» نصب بوده، ساخته شده است. فاکهی به سند خود نقل کرده است که پیامبر (ص) [در عرفه] به منبر رفت و آنجا بین دو نماز ظهر و عصر جمع کرد (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴). به گفته عمرو بن دینار (در گذشته ۱۲۶ق.)، تا زمان ابن زبیر، این منبر ساخته شده از سنگ‌های کوچکی بود که سیل آن را ویران کرد و ابن زبیر، منبر جدیدی از عود در آنجا نصب کرد (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴؛ ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۵).

۱. در سفرنامه ناصر خسرو (ص ۱۳۹) نیز از آن به عنوان مسجدی که ابراهیم (ع) ساخته، یاد شده است.

برخی منابع از ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.) نقل کرده‌اند که این مسجد پس از ده سال از به قدرت رسیدن بنی هاشم (بنی عباس) ساخته شد. الغازی با استناد به این سخن، تاریخ تقریبی ساخت این مسجد را اوایل دهه ۱۵۰ق. تعیین کرده است (الغازی، ج ۲، ص ۸۸). اما با در نظر گرفتن اینکه تاریخ آغاز خلافت عباسیان ۱۳۲ق. بوده، تاریخ ساخت مسجد را باید حدود سال ۱۴۲ق. بدانیم.

در برخی از اخبار دینی، منبر عرفه در مرز محل وقوف عرفه دانسته و از وقوف در آن نهی شده است (فاکھی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، صص ۳۵ - ۳۴). به تبع این اخبار، فقهای اهل سنت نیز درباره اینکه مسجد عرفه جزو موقوف بوده، با یکدیگر مناقشه و اختلاف نظر داشته‌اند. شافعی این مسجد را خارج از زمین عرفه دانسته، اما محب‌الدین طبری آن را جزو زمین عرفه شمرده است (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۶۵).

شماری از فقهای مشهور شافعی، همچون جوینی و فرزندش امام الحرمین و رافعی، ابتدای این مسجد (از سمت قبله آن) را جزو وادی عرنه، و انتهای آن را جزو عرفات دانسته‌اند که بنا بر این نظر، وقوف در ابتدای مسجد صحیح نیست؛ اما وقوف در انتهای آن صحیح است. برخی از فقهای که این مسجد را خارج از زمین عرفه می‌دانسته‌اند، از آن به نام مسجد عرنه یاد کرده‌اند (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، صص ۵۶۸ - ۵۶۵).

ازرقی طول مسجد عرفه را (از قبله تا پشت مسجد) ۱۶۳ و عرض آن را (حد فاصل دو سمت راست و چپ مسجد) ۲۱۳ ذراع دانسته است. به گفته وی، مسجد دارای ۹ در بوده که در سمت قبله آن، یک در طاق‌دار، و در هر یک از دو ضلع راست و چپ آن، چهار در، و در پشت مسجد نیز سکوی مربعی به ارتفاع ۸ ذرع و مساحت ۷ در ۶ ذرع وجود داشته است. در ضلع قبله مسجد نیز محرابی بر روی سکویی به ارتفاع ۲ ذراع قرار داشته که امام و برخی دیگر روی آن، و سایر نمازگزاران، در پایین آن نماز می‌خواندند (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، صص ۱۸۸ - ۱۸۷؛ کتاب المناسک، صص ۵۱۰ - ۵۰۹).

در رساله وصف مکه و مدینه، بنای محصوره به طول ۱۷۰ و عرض ۱۵۰ ذرع توصیف شده که بیشتر آن فرو ریخته یا ویران شده و تنها دیوار قبله باقی مانده است و در سمت راست کسی که به سمت محراب ایستاده، سه طاق به عنوان ورودی‌های بنا وجود دارد

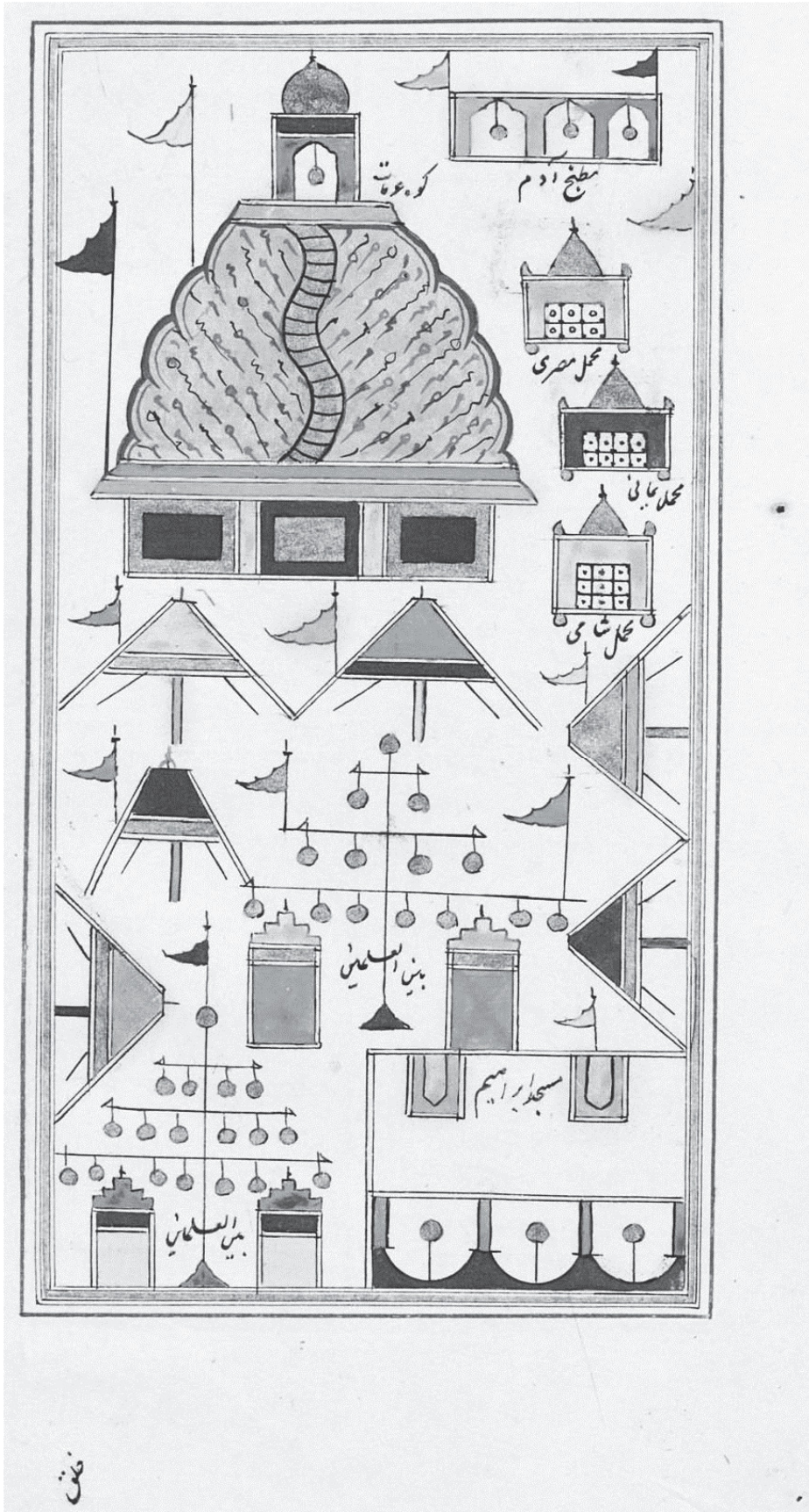
که محراب نیز همانجا واقع است («رسالة فی وصف ...»، ص ۳۴۹). به گفته ناصر خسرو (ص ۱۳۸)، در زمان وی از این مسجد تنها منبری خراب از خشت، و به گفته ابن جیبر (ص ۱۵۲)، در زمان وی تنها دیوار ضلع قبله آن باقی مانده بود.

همچنین تقی‌الدین فاسی (م. ۸۳۲ق.)، مورخ مکه، اشاره کرده که در زمان وی (اوایل سده نهم)، مسجد فاقد رواق و کاملاً به صورت رو باز و بدون سقف بوده است (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۶۷)، اما در سال ۸۷۴ق، در دوره سلطان قایتبای مملوکی، این مسجد به شکل گسترده‌ای بازسازی شد که ابن فهد مکی (م. ۸۸۵ق.)، شرح مفصل اقدامات انجام شده و توصیف معماری مسجد را پس از این بازسازی به دست داده است.

به گفته ابن فهد، در این بازسازی دو رواق بزرگ در سمت قبله برای ایجاد سایه برای حاجیان ایجاد شد که این رواق‌ها دارای ۵۰ ستون مربع، با ۸۳ طاق بر فراز آنها و تیرهای چوبی در بالای طاق‌ها بود. در وسط مسجد نیز سکویی با چهار ستون مرع وجود داشت (ابن فهد، ج ۴، صص ۵۱۴-۵۱۳).

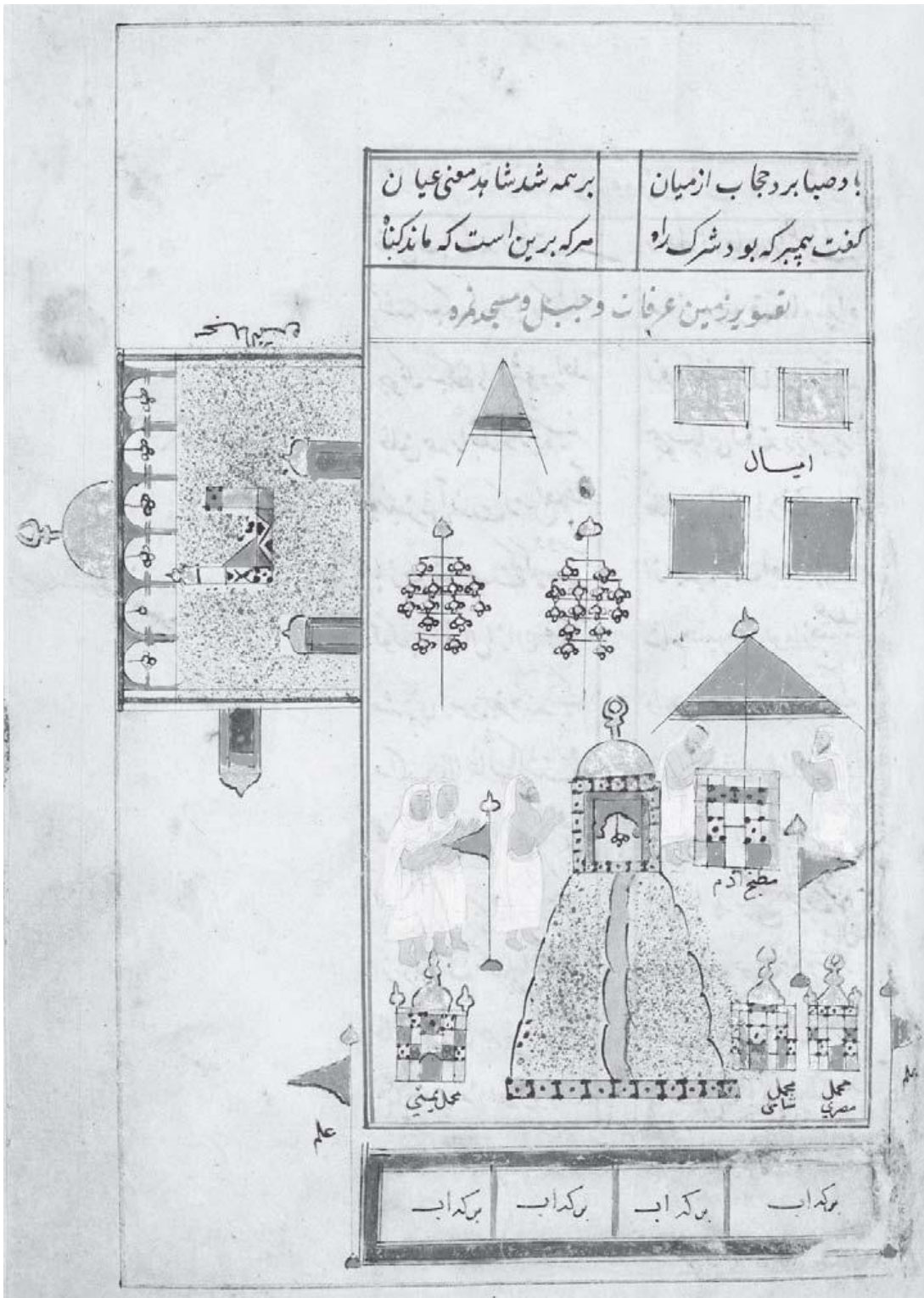
مسجد عرفه امروزه به مسجد نمره شناخته می‌شود و دست کم از سده دهم هجری به این نام شهرت یافته است (محبی لاری، ۱۳۷۳ش، ص ۶۴؛ الکتانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۴). رفعت پاشا در اواخر دوره عثمانی، آن را مسجد بزرگی به طول ۹۰ و عرض ۸۰ متر، با رواق‌هایی در گرداگرد آن توصیف کرده که دارای محرابی به ارتفاع ۳ و عرض ۱/۵ و عمق ۱ متر و منبری با ۱۰ پله و به ارتفاع ۱۰/۵ متر بوده است (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

مسجد نمره در دوره سعودی توسعه ساختمانی وسیعی یافت. طول ساختمان جدید آن (از شرق به غرب) ۳۴۰ متر، و عرض آن (از شمال به جنوب) ۲۴۰ متر و مساحت آن بیش از ۱۱۰ هزار متر مربع است و حدود ۳۵۰ هزار نمازگزار گنجایش دارد. زمینی به مساحت هشت هزار متر مربع نیز در پشت مسجد، برای آن سایبان احداث شده است. در گرداگرد مسجد ۱۰ ورودی اصلی وجود دارد که هر یک دارای چندین در، و در مجموع تعداد درهای مسجد ۵۴ در است. همچنین بر فراز سقف مسجد، به موازات ضلع قبله (غربی) مسجد، سه گنبد، و در نقاطی از اضلاع چهارگانه مسجد نیز شش مناره به ارتفاع ۶۰ متر ایجاد شده است که در هر یک از دو ضلع غربی و شرقی، دو مناره، و در هر یک از دو ضلع شمالی و جنوبی آن، یک مناره وجود دارد.



میقات

فصلنامه علمی - ترویجی / شماره ۴ / تابستان ۱۳۹۷



جبل الرحمة

در شمال دشت عرفات، کوه سنگی منفرد و کم ارتفاعی به طول ۳۰۰ و ارتفاع ۳۰ متر (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۴) وجود دارد که امروزه به جبل الرحمة مشهور است. اما شماری از مورخان، لغویان و جغرافی دانان عرب، همچون فاکهی، ازرقی، جوهری و یاقوت حموی، از این کوه به نام «الال» (به فتح همزه، بر وزن جلال) یا «الال» (به کسر همزه، بر وزن هلال) یاد کرده‌اند (الجوهری، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۱۶۲۷؛ ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۴؛ فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷؛ یاقوت الحموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۴۲).

همچنین در شماری از اشعار شعرای دوره جاهلیت و اسلام، همچون نابغه ذبیانی، حضرت ابوطالب و شریف رضی، از این کوه به نام «الال» یاد شده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۵؛ فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۴۳)؛ از این رو به نظر می‌رسد که «الال»، نام کهن این کوه در دوره جاهلیت است و در وجه تسمیه آن گفته‌اند: «حُبَّاج با دیدن این کوه تلاش می‌کردند تا خود را به موقف برسانند» (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۴۳).

در خبری که طبری و فاکهی از ابن عباس نقل کرده‌اند، این کوه به نام «جبل عرفه» نامیده شده است (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۷۴؛ فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸). اما با توجه به اینکه در سایر منابع، از این کوه بدین نام یاد نشده، به نظر می‌رسد نامیدن آن به کوه عرفه، صرفاً به علت وقوع آن در سرزمین عرفه یا عرفات بوده و در واقع، در خبر ابن عباس، این کوه به سرزمین عرفه منسوب شده است.

اما نام شایع این کوه در طول دوران اسلامی، «جبل الرحمة» است که در شماری از متون جغرافیایی و سفرنامه‌های کهن، از سده‌های چهارم و پنجم هجری («رسالة فی وصف...»، ص ۳۴۸؛ ناصر خسرو، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۹)، و به تبع آن در منابع دوره‌های بعدی به چشم می‌خورد (ابن مازة، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸؛ ابن جیبر، ص ۱۵۱؛ الاستبصار فی عجائب الامصار، ص ۳۵)، و نشان می‌دهد که لااقل از سده چهارم هجری، به این نام شهرت داشته است.

جبل الرحمة نزدیک‌ترین کوه به «موقف»، در سمت راست «موقف امام» بوده است و از اشاره نویسندگان مختلف برمی‌آید که مردم از دیرباز به قصد دعا کردن، از آن بالا می‌رفته‌اند؛ (ناصر خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹) تا جایی که به گفته ابن صلاح (م. ۶۴۳ق)، مردم

این کوه را محل وقوف اصلی در عرفات می‌پندارند و بر بالا رفتن از آن، بیش از وقوف در سایر زمین‌های عرفات، اصرار می‌ورزند (ابن صلاح، ۱۴۳۲ق، ص ۱۵۰).

از میان فقهای اهل سنت، ابوجریر طبری برای ایستادن بر جبل الرحمه، استحباب قائل شده و ابوالحسن ماوردی نیز این کوه را موقف پیامبران دانسته و به بالا رفتن از آن سفارش کرده است. با این حال، فقهای دیگری تأکید کرده‌اند که در فضیلت این کوه، هیچ خبر معتبر و غیر معتبری وجود ندارد (ابن صلاح، ۱۴۳۲ق، ص ۱۵۰؛ نووی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۲).

شماری از فقهای اهل سنت نیز برای بالا رفتن از این کوه هیچ فضیلت یا استحبابی قائل نبوده‌اند (جوینی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۳۱۱) و حتی برخی از آنان، آن را خطا و بدعت و خارج از سنت دانسته‌اند (ابن صلاح، ۱۴۳۲ق، ص ۱۵۰؛ ابن تیمیه، ۱۳۸۹ق، ج ۲۶، ص ۱۳۳).

فقهای شیعه نیز با استناد به برخی روایات (الطوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۰)، به کراهت و گاه حتی به تحریم وقوف در بالای این کوه، مگر در صورت ضرورت، قائل شده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۲۲۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۵۹).

با این حال، به نظر می‌رسد بالا رفتن از کوه رحمت، همواره برای لااقل بخشی از حاجیان، جذابیت خاصی داشته است. اما سختی و مشقتی که در بالا رفتن از کوه با آن مواجه می‌شدند، عاملی بوده تا در گذر زمان، پلکان‌هایی در دامنه کوه ایجاد شود؛ چنان که منابع تاریخی گزارش کرده‌اند که در نیمه سده ششم هجری، جمال‌الدین اصفهانی معروف به «وزیر جواد» (م. ۵۵۹ق)، با صرف اموال فراوانی، به ساخت پله‌های عریضی از پایین تا بالای کوه، در چهار جهت آن، اقدام کرد که مردم با چارپایان از آن بالا می‌رفتند (ابن جبیر، ص ۱۵۱؛ ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۸).

گویا فرسایش این پله‌ها و بی‌توجهی به مرمت و بازسازی آنها در دوره‌های بعدی، باعث از بین رفتن بیشتر این پلکان‌ها شده است؛ چنان که تا دوره اخیر، تنها یک پلکان در سمت جنوبی کوه رحمت باقی مانده است. رفعت پاشا این پلکان را پلکان سنگی نامنظمی با ۹۱ پله توصیف کرده است که ارتفاع هر پله از ۱/۱ تا ۳/۰ متر متفاوت است (رفعت پاشا، ج ۱، ص ۴۴)، اما ابوزید تعداد پله‌ها را در حدود دو دهه گذشته (سال ۱۴۱۷ق) ۱۶۸ پله شمرده است (ابوزید، ص ۵۸۴).

محل وقوف امام در روز عرفه

در رساله کهن وصف مکه و مدینه، از نیمه دوم سده چهارم، به وجود یک میل در پای کوه اشاره شده که محل وقوف امام در روز عرفه بوده است («رساله فی وصف...» ص ۳۴۸). مقدسی نیز به وجود یک علم سنگی، که امام برای دعا کردن پشت آن می ایستاده و مردم نیز پیرامون آن بر کوه‌ها می ایستادند، اشاره کرده (مقدسی، ۱۹۰۶م، ص ۷۷) که بر میل مورد اشاره در رساله کهن وصف مکه و مدینه قابل انطباق است. تا چندی پیش، در دامنه کوه رحمت، در نقطه میانه‌ای از پای کوه تا رأس آن، محوطه مسطحی وجود داشته که در حال حاضر از بین رفته است. رفعت پاشا این محل را مسجد ابراهیم نامیده و آن را زمین مسطحی به طول ۱۵ و عرض ۱۰ متر، که در آن نمازخانه‌ای دارای قبله وجود داشته، توصیف کرده است (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۴). البته در سایر منابع تاریخی، اشاره‌ای دیده نشد که این محل به نام مسجد ابراهیم نامیده شده باشد.

گنبد ام سلمه

پیش‌تر گنبد و مسجدی بالای جبل الرحمه در عرفات قرار داشته است. در منابع پیش از سده پنجم، به وجود بنایی در بالای کوه رحمت اشاره نشده و ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.) احتمالاً نخستین کسی است که به وجود ساختمانی در بالای این کوه، در نیمه سده پنجم هجری، اشاره کرده است. او این بنا را چهارطاقی عظیم توصیف کرده که روزها و شب‌ها، بر گنبد آن چراغ‌ها و شمع‌های بسیاری می‌نهادند که از فاصله دو فرسنگی دیده می‌شد. به گفته وی، این گنبد را پسر شاددل، امیر عدن بنا کرده بود و برای کسب اجازه این کار از امیر مکه، به او هزار دینار پرداخت کرده بود (ناصر خسرو، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۹). با توجه به اینکه پسر شاددل در منابع تاریخی شناخته شده نیست و تنها در سفرنامه ناصر خسرو از وی یاد شده است. این شخص می‌تواند بر حسین بن سلامه نوبی، از امرای دولت زیادی یمن (امارت: ۴۰۲ - ۳۷۳ق) منطبق باشد که خدمات عمرانی گسترده‌ای در یمن و حجاز داشته است (شمی، ص ۲۳) و مورخان یمن نیز از جمله این خدمات، ساخت

مسجدی را بالای کوه رحمت به دست وی، گزارش داده‌اند (عمارة الیمنی، ۱۴۳۶ق، ص ۲۷؛ الوصّابی، ۱۴۳۵ق، ص ۳۶).

در منابع سده ششم، از این بنا به نام مسجد یا گنبد امّ سلمه - همسر پیامبر ﷺ - بدون بیان وجه تسمیه آن، یاد شده است (ابن جبیر، ص ۱۵۱؛ الاستبصار فی عجائب الامصار، ص ۳۵) و نشان می‌دهد که این بنا دست کم در آن دوره، به ام سلمه منسوب بوده است. اما در برخی منابع دوره‌های بعدی (ابن تیمیه، ۱۳۸۹ق، ج ۲۶، ص ۱۳۳؛ عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۳۱۹)، این بنا به اشتباه به نام «گنبد آدم» نامیده شده است. در حالی که می‌دانیم گنبد آدم در پایین کوه قرار داشته است. ابن جبیر دقیق‌ترین توصیف را از گنبد امّ سلمه به دست داده و درباره آن نوشته است که در وسط گنبد، مسجدی بوده که مردم در آن نماز می‌خواندند. در اطراف مسجد، زمین مسطح یا صحن وسیعی مُشرف به عرفات بوده که در سمت قبله آن دیواری و در این دیوار محراب‌هایی وجود داشته که مردم در آن نماز می‌خواندند (ابن جبیر، ص ۱۵۱).

این گنبد در سال ۷۹۸ق. فرو ریخت و در سال بعد، با هزینه ملک الظاهر سیف‌الدین برقوق (حک: ۷۸۴ - ۸۰۱)، از پادشاهان مملوک مصر، بازسازی شد (فاسی، ۱۳۹۹م، ج ۱، ص ۵۶۵؛ ابن فهد، ج ۳، ص ۴۰۶). در سال ۱۷۴ق. نیز مرمت و بازسازی و نمای داخلی و خارجی آن سفیدکاری شد (ابن فهد، ج ۴، ص ۵۱۵؛ الغازی، ج ۲، ص ۹۱).

به نظر می‌رسد این گنبد یا مسجد در سده‌های متأخر از بین رفته و تا سده چهاردهم هجری نشانی از آن باقی نمانده است؛ چنان‌که عبدالله الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، در جایی که به معرفی اماکن متبرک مرتبط با مناسک حج می‌پردازد، هیچ اشاره‌ای به وجود این بنا در بالای کوه رحمت نمی‌کند.

شاخص یا عَلم سنگی

امروزه در بالاترین نقطه کوه رحمت، یک میل سنگی مربع وجود دارد که احتمالاً در دوره‌ای متأخر، در محل گنبد و مسجد از میان رفته بالای این کوه، که در منابع کهن به نام مسجد یا گنبد امّ سلمه شهرت داشته، ساخته شده است. در قدیمی‌ترین عکس‌های عرفات از اواخر دوره عثمانی، این شاخص یا عَلم سنگی دیده می‌شود و این مسئله، قدمت بیش از صد ساله آن را می‌رساند.

ابراهیم رفعت وضعیت بالای کوه را چنین توصیف کرده است که در بالاترین نقطه کوه، زمین مربع سنگفرشی به طول ضلع ۵۰ متر، و در وسط آن سکویی مربع به ضلع ۷ و ارتفاع ۱/۵۰ متر وجود داشته است. در زاویه غربی این سکو، ستون مربعی از سنگ سخت و سفیدکاری شده وجود داشته که ارتفاع آن حدود ۴ متر و طول هر ضلع آن حدود ۱ متر بوده و به عنوان یک علم - که شب‌های عرفه در بالای آن، با هدف راهنمایی حاجیان، چراغ‌هایی روشن می‌کردند - کاربرد داشته است (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۴).

شاخص یا میل سنگی مربع، شبیه اُبلیسک‌های مصری و جمرات سه‌گانه - مطابق وضعیت قدیمی و پیش از تعریض آنها - و دارای پوشش سفیدکاری است. ارتفاع این میل سنگی ۸ و طول هر ضلع آن ۱/۸۰ متر است و در بالاترین قسمت هر ضلع آن، میخ‌هایی برای آویزان کردن چراغ‌آویزها وجود داشته است (ابوزید، ص ۳۰۰).

خانه آدم ﷺ

پیش‌تر در پای کوه رحمت، زیارتگاهی منسوب به حضرت آدم ﷺ وجود داشته است. احتمالاً ابن جبیر نخستین کسی است که به این زیارتگاه اشاره، و محل دقیق آن را در پایین کوه، سمت چپ کسی که رو به قبله ایستاده، تعیین کرده است. او این بنا را خانه‌ای قدیمی، که بالای آن اتاق‌هایی طاق‌دار وجود داشته، توصیف کرده است (ابن جبیر، ص ۱۵۲).

محبی لاری، بدون اشاره به کارکرد و وجه تسمیه این بنا، از آن به نام «مطبخ آدم» یاد، و محل آن را در شمال کوه رحمت تعیین کرده است (محبی لاری، ۱۳۷۳ش، ص ۶۴).

فاسی با استناد به سنگ‌نوشته‌ای که تا زمان وی بر دیوار سمت قبله خانه آدم وجود داشته، ماهیت بنا را یک «سقایة الحاج» دانسته است که به دستور مادر مقتدر عباسی (خلافت: ۲۹۵ - ۳۲۰ق.) ساخته شده بود (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۶۴).

محل وقوف رسول خدا ﷺ و مسجد صخرات

از جابر بن عبدالله انصاری درباره محل وقوف پیامبر خدا ﷺ در عرفات روایت شده است زمانی که آن حضرت سوار بر مرکب خویش به موقف رسید، شکم شترش را به سوی صخره‌ها قرار داد؛ به گونه‌ای که راه افراد پیاده روبه‌رویش قرار گرفت و خود رو به سوی قبله نمود (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶).

در اخبار مورخان کهن، همچون فاکهی و ازرقی، محل وقوف پیامبر ﷺ بر روی برآمدگی نابت - که متصل به جانب سمت چپ موقف و پشت سر محل وقوف امام قرار داشته، مقابل کوه الال و در راستای کوه مسلم، جایی که راه افراد پیاده بین دو برآمدگی نبعه و نُبِعه بوده - تعیین شده است (ازرقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۴؛ فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷). در روایات شیعه نیز محل وقوف پیامبر ﷺ در سمت راست کوه رحمت تعیین شده است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۶۳).

ابن جبیر محل موقف پیامبر ﷺ را صخره‌ای در سمت چپ خانه آدم، مقابل قبله تعیین کرده است (ابن جبیر، ص ۱۵۲). عیاشی نیز محل آن را صخره‌های پهنی پایین موقف امام در روزه عرفه، که روی آنها محوطه‌ای شبیه مسجد ساخته شده، تعیین کرده است. (عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۹) همچنین به نظر می‌رسد تعبیر «موقف مصطفی به عرفات نزدیک کوه»، در «لطائف الاذکار» ابن مازه (ص ۱۹۸) ناظر به همین محل است.

تا چندی پیش، در جنوب شرقی کوه عرفه، در سمت راست کسی که از کوه بالا می‌رود، مسجدی وجود داشته که امروزه نشانی از آن باقی نمانده است (ابوزید، ص ۳۰۱). در بیشتر متون تاریخی، اشاره‌ای به این مسجد به چشم نمی‌خورد؛ با این حال به نظر می‌رسد که این مسجد، منطبق بر مسجد کوچکی است که ابن جبیر به وجود آن نزدیک صخره‌ها، نزدیک سمت چپ خانه آدم، اشاره کرده است (ابن جبیر، ص ۱۵۲).

وجه تسمیه آن به مسجد «صخرات» آن بوده که در کف آن، صخره‌های بزرگی متصل به یکدیگر قرار داشته و گفته‌اند که پیامبر ﷺ در آن نماز خوانده است؛ اگرچه برخی نماز خواندن پیامبر ﷺ را در این مسجد پذیرفته‌اند (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۵).

به نظر می‌رسد که این مسجد بعدها به طور تقریبی در محل صخره‌ها و برآمدگی‌هایی که محل وقوف رسول الله ﷺ بوده، یا در نقطه‌ای نزدیک آن ساخته شده است. گردی مسجد صخرات را چهاردیواری کوتاهی به ارتفاع نیم تنه انسان توصیف کرده که طول دیوار سمت قبله آن ۱۳ متر و ربع، و طول دیوار طرفین آن ۸ متر بوده است. دیواری در وسط مسجد نیز آن را به دو قسمت تقسیم می‌کند که زمین قسمت اول (غربی) کمی بالاتر از قسمت دوم است و محراب مسجد در این قسمت قرار دارد. کف مسجد در هر قسمت شامل چهار سنگ طبیعی بزرگ است که برای تراز شدن، با ماسه پوشیده شده است (گردی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۳).

سازه‌های آبی عرفات

با گسترش جهان اسلام و با گرایش روزافزون مردم به اسلام، همه ساله بر شمار حج‌گزاران نیز افزوده می‌شد و همه ساله در موسم حج، تعداد زیادی از حاجیان برای انجام مناسک حج به سرزمین عرفات می‌آمدند و در آنجا وقوف می‌کردند. یکی از نیازهای اساسی مردم در عرفات آب بود؛ از این رو، به مرور زمان با هدف خدمت‌رسانی به حاجیان، شماری از سازه‌های آبی، همچون حوض‌ها، آب‌انبارها و قنات‌ها در عرفات ساخته شد.

مورخان کهن به وجود هفت حوض آب در کنار بازار عرفه (که در جنوب جبل‌الرحمه قرار داشته)، اشاره کرده‌اند و ساخت این حوض‌ها و آب‌رسانی به آنها را به عبدالله بن عامر نسبت داده‌اند (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۳-۴۲). این حوض‌ها و سازه‌های آبی، در گذر زمان تخریب و بعدها باز هم بازسازی می‌شدند؛ از این رو، نویسندگان بعدی، که از تاریخ ساخت نخستین آنها اطلاعی نداشتند، ساخت آنها را به احیاکنندگان بعدی آنها نسبت می‌دادند.

ناصر خسرو، ساخت حوض‌های آبی را در عرفات، به امیر عدن، که از وی به نام «پسر شاددل» یاد کرده، نسبت داده است که آب را از جای دوری به این حوض‌ها می‌رساند تا در موسم حج، آنها را پر از آب کنند و حاجیان از آن بهره‌مند شوند؛ (ناصر خسرو، ص ۱۳۹) چنان که گذشت، ظاهراً مقصود از پسر شاددل، حسین بن سلامه نوبی، از امرای دولت زیادی یمن (امارت: ۳۷۳-۴۰۲ق.) بوده است.

در منابع دوره‌های بعدی، ساخت آب‌انبارهایی را به جمال‌الدین وزیر جواد اصفهانی نسبت داده‌اند که آب‌رسانی به آنها، به واسطه قنات‌هایی در دل زمین، از «وادی نعمان» صورت می‌گرفت و هر سال در ایام حج، با باز کردن قنات‌ها، آب در این آب‌انبارها جاری می‌شد (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۸). تاریخ ساخت این آب‌انبارها را سال ۵۵۱ یا ۵۵۲ق. ذکر کرده‌اند (ابن فهد، ج ۲، ص ۵۱۸).

همچنین اشاره شد که تقی‌الدین فاسی، به وجود کتیبه‌ای بر ساختمان مربع، موسوم به «خانه آدم» در پایین جبل‌الرحمه اشاره کرده است که نشان می‌دهد این بنا یک «سقایة الحاج» بوده است که به دستور مقتدر عباسی ساخته شده بود (فاسی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۶۴) و گویا بعدها با انتساب آن به حضرت آدم علیه السلام، به یک بنای دینی و زیارتی تغییر کاربری داده است.

در مسجد عرفه یا نمره و فضای مجاور آن نیز سازه‌هایی آبی وجود داشت که در دوره مملوکی ساخته شده بود؛ از جمله آب‌انبار بزرگی در وسط مسجد و قنات بزرگی نیز متصل به آن وجود داشت که آب را از بیرون مسجد به آب‌انبار هدایت می‌کرد و یک تصفیه‌خانه در خارج مسجد بود که آب در آنجا جمع می‌شد و پس از تصفیه، از طریق قنات به آب‌انبار متصل می‌شد؛ ابن فهد وصف نسبتاً دقیقی از آنها به دست داده است (ابن فهد، ج ۴، ص ۵۱۴).

سازه آبی مهم دیگر در عرفات، قنات چشمه زبیده بود که دشت عرفه را از سه سمت شمال، جنوب و غرب احاطه کرده بود (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۵). کارکرد این قنات، آب‌رسانی از منطقه وادی نعمان به مشاعر مقدسه و از آنجا به چاه زبیده در منطقه عزیزیه، نزدیک مکه، بود و ساخت آن به دستور زبیده، همسر هارون الرشید در سال ۱۹۳ق. آغاز شد (حارثی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۵۷).

قنات زبیده، با توجه به اهمیت آن در آب‌رسانی به مشاعر مقدسه، در طول تاریخ بارها از سوی خلفا و حاکمان بازسازی شد؛ از جمله با استناد به دو سنگ‌نوشته‌ای که بر ساختمان قنات نصب شده بود، در سال ۵۸۴ق. به دستور خلیفه عباسی الناصر لدین الله، به دست مجیرالدین طاشتکین مستنجدی، که آن زمان منصب امیرالحاج را عهده‌دار بود، و در سال ۵۹۴ق. نیز به دستور حاکم اربل مظفرالدین کوبوری بازسازی و مرمت شد (حارثی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۷۵ - ۲۷۴).

با استناد به اسناد باقی مانده از دوره عثمانی، سلطان سلیمان قانونی (حک: ۹۲۷ - ۹۷۴ق.) در اواخر دوره پادشاهی خود، دستور ساخت قناتی میان مکه و عرفات را با هدف آبرسانی به عرفات صادر کرد که ساخت آن در فاصله حدود ۹۷۵ق. تا قبل از ۹۸۰ق. انجام شد. اما با توجه به اینکه این قنات به قنات قدیمی تری (احتمالاً قنات زبیده) ملحق شده بود، مورد اعتراض دیوان سلطنتی قرار گرفت؛ از این رو، فرمان ساخت قنات جدیدی را صادر کرد که دارای مجرای مستقلی باشد و به چشمه مکه خاتمه یابد (بیات، ۲۰۱۵، ج ۴، ص ۷۵ - ۷۳).

بخش هایی از ساختمان قنات زبیده؛ از جمله در حد فاصل عرفه به مزدلفه، به صورت دیوار یا سد مرتفعی که با قلوه سنگ های بزرگ ساخته شده، تاکنون باقی مانده است (الحارثی، ۱۴۳۰ق، صص ۲۷۰ - ۲۶۲).

نتیجه گیری

در سرزمین عرفات، به تدریج بناهایی با کاربری دینی (همچون مسجد و زیارتگاه) و نیز بناهایی با کاربری خدماتی (همچون سازه های آبی) شکل گرفته است. به جز مسجد عرفه (مسجد نمره کنونی)، که شاخص ترین بنای عرفات در طول تاریخ بوده، سایر بناهای دینی، با محوریت جبل الرحمه (کوه رحمت) شکل گرفته و شامل زیارتگاه یا مسجدی در بالای کوه، موقف امام در دامنه کوه، مسجد صخرات در پایین کوه و مطبخ آدم، نزدیک کوه بوده است. سازه های آبی نیز چند حوض آب یا آب انبار، سقاخانه و قنات آب را شامل می شده است.

بیشتر این بناها در دوره ای متأخر و با فاصله یک یا چند سده تأخیر از دوره ظهور اسلام به وجود آمده و گاه به بناهای دیگری تغییر کاربری داده است؛ چنان که مسجد عرفه در اوایل دوره عباسی، در محل منبر عرفه ساخته شد؛ زیارتگاه بالای کوه عرفات (موسوم به گنبد یا مسجد ام سلمه)، در اواخر سده چهارم ساخته شد و در دوره های اخیر از بین رفت و به جای آن شاخص یا میل سنگی بنا شد؛ گنبد یا مطبخ آدم نیز در اصل سقاخانه ای از دوره عباسی بوده که بعدها کاربری زیارتی یافته است. زمان دقیق پیدایش و ساخت موقف امام و مسجد صخرات نیز مشخص نیست و در جریان طرح های توسعه دوره سعودی از بین رفته است.

١. ابن بابويه، محمد بن علي، ١٣٨٥ق / ١٩٦٦م، علل الشرائع، النجف، المكتبة الحيدرية.
٢. ابن بابويه، محمد بن علي، ١٤١٣ق، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي أكبر غفاري، بيروت، دار الاضواء، چاپ دوم.
٣. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، ٣٩٨ق، مجموع فتاوى شيخ الاسلام احمد بن تيميه، جمع و ترتيب، عبدالرحمن بن محمد العاصمي، بي جا، بي نا.
٤. ابن جبير، محمد بن احمد، رحلة ابن جبير، بيروت: دار صادر.
٥. ابن رسته، احمد بن عمر، ١٨٩١م، الاعلاق النفيسه، ليدن، بريل.
٦. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان، ١٤٣٢ق / ٢٠١١م، صلة الناسك فى صفة المناسك، المدينة المنورة، الجامعة الاسلامية، تحقيق عبدالكريم العمرى، چاپ اول.
٧. ابن فهد، عمر بن محمد، إتحاف الورى بأخبار أم القرى، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، القاهرة، مكتبة الخانجي.
٨. ابن ماجه، محمد بن يزيد، ١٤١٨ق، سنن ابن ماجه، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت، دار الجيل.
٩. ابن مازه، محمد بن عمر، ١٣٩٢ش، لطائف الاذكار للحضار والسفار، تصحيح: رسول جعفریان، تهران، علم، چاپ اول.
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، القاهرة، دار المعارف.
١١. ابوزيد، بكر بن عبدالله، جبل الال بعرفات، تحقیقات تاريخية وشرعية، العرب، سال ٣٢، ش ٥ و ٦
١٢. ازرقى، محمد بن عبدالله، ١٤٠٣ق / ١٩٨٣م، اخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، تحقيق: رُشدی الصالح ملحس، مكة المكرمة، مطابع دار الثقافة، چاپ چهارم.
١٣. بلادى، عاتق بن غيث، ١٤٠١ق / ١٩٨١م، معجم معالم الحجاز، مكة المكرمة، دار مكه، چاپ اول.
١٤. بيات، فاضل، ٢٠١٥م، البلاد العربية فى الوثائق العثمانية، استانبول: مركز الأبحاث للتاريخ والفنون والثقافة الاسلاميه.
١٥. پورامينی، محمدامين، ١٣٧٤ش، «نگرشی بر عرفات»، میقات حج، شماره ١٢

۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ق، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، القاهرة: دار الحديث.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حَمَّاد، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م، تاج اللغة وصحاح العربية، تحقیق: احمد عبدالغفور عَطَّار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ دوم.
۱۸. جوینی، عبدالملک بن عبدالله، ۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م، نهاية المطلب فی درایة المذهب، تحقیق: عبدالعظیم محمود الادیب، بیروت: دار المنهاج، چاپ اول.
۱۹. حارثی، ناصر بن علی، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م، الآثار الاسلامیة فی مکة المکرمة، الرياض، چاپ اول.
۲۰. حربی، ابواسحاق، ۱۴۰۱ق، کتاب المناسک وأماكن طرق الحجّ ومعالم الجزیره، تحقیق: حمد الجاسر، ریاض: وزارة الحجّ والأوقاف، چاپ دوم.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
۲۲. رفعت پاشا، ابراهیم، ۱۳۴۴ق / ۱۹۲۵م، مرآة الحرمين، القاهرة: مطبعة دار الكتب المصرية، چاپ اول.
۲۳. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م، تاج العروس، تحقیق: مصطفی حجازی، الكويت: مطبعة حكومة الكويت.
۲۴. سعد زغلول، عبدالحمید (تحقیق)، بی تا، استبصار فی عجائب الامصار، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
۲۵. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م، الانساب، القاهرة: مكتبة ابن تيمية، چاپ دوم.
۲۶. شمري، محمد کریم، «الحسين بن سلامة النوبی ودوره فی تاريخ الیمن الإسلامی»، مجلة القادسیة للعلوم الإنسانیة، ش ۱۳
۲۷. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر، بیروت: دار الكتب العلمیه.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۰ق، المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.

٣٠. طبري، محمد بن جرير، ١٤٢٠ق / ٢٠٠٠م، تفسير الطبري، تحقيق: احمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
٣١. طوسي، محمد بن الحسن، ١٤١٥ق، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ چهارم.
٣٢. طوسي، محمد بن الحسن، ١٣٨٧ق، المبسوط في فقه الاماميه، تحقيق: سيد محمد تقى كشفى، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ سوم.
٣٣. طوسي، محمد بن الحسن، ١٤٠٧ق، تهذيب الاحكام، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
٣٤. عمارة اليمنى، عمارة بن على، ١٤٣٦ق / ٢٠١٥م، تاريخ اليمن، بيروت: دار الكتب العلميه.
٣٥. عياشى، عبدالله بن محمد، ٢٠٠٦م، الرحلة العياشيه، تحقيق: سعيد الفاضلى و سليمان القرشى، ابو ظبى، دار السويدي، چاپ اول.
٣٦. فاسى، محمد بن احمد، ١٩٩٩م، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، تحقيق: ايمن فؤاد سيد و مصطفى محمد الذهبى، مكة: مكتبة النهضة الحديثه، چاپ دوم.
٣٧. فاكهى، محمد بن اسحاق، ١٤٠٧ق / ١٩٨٧م، اخبار مكة فى قديم الدهر وحديثه، تحقيق عبد الملك بن عبدالله بن دهيش، مكة المكرمة: مكتبة ومطبعة النهضة الحديثه، چاپ اول.
٣٨. قاضى عسكر، سيد على، ١٣٧٤ش، «سرزمين عرفات»، ميقات حج، شماره ١٢، تابستان.
٣٩. قمى، على بن ابراهيم، ١٤٠٤ق، تفسير القمى، تحقيق: طيب موسى جزائرى، قم، دار الكتاب، چاپ سوم.
٤٠. كتنانى، محمد بن جعفر، ١٤٢٦ق / ٢٠٠٥م، الرحلة الساميه إلى الإسكندرية ومصر والحجاز والبلاد الشاميه، تخريج: محمد حمزة بن على الكتنانى، بيروت، دار ابن حزم، چاپ اول.
٤١. كردى، محمد طاهر، ١٤٢٠ق / ٢٠٠٠م، التاريخ القويم لمكة وبيت الله الكريم، تحقيق: عبد الملك بن دهيش، بيروت، دار خضر، چاپ اول.
٤٢. كلينى، محمد بن يعقوب، ١٤٠١ق، الكافى، تحقيق: على اكبر الغفارى، بيروت، دار صعب و دار التعارف، چاپ سوم.

٤٣. محيى لارى، ١٣٧٣، فتوح الحرمين، تصحيح: رسول جعفرىان، قم، انصارىان، چاپ اول.
٤٤. مقدسى، محمد بن احمد، ١٩٠٦م، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، ليدن: بريل.
٤٥. ناصر خسرو، ١٣٨٩ش، سفرنامه، تصحيح: محمد دبير سىاقى، تهران، زوار، چاپ دهم.
٤٦. نراقى، احمد بن محمد مهدى، ١٤١٥ق، مستند الشيعه فى احكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
٤٧. نووى، يحيى بن شرف، ١٤١٤ق / ١٩٩٤م، الايضاح فى مناسك الحج والعمرة، بيروت: دار البشائر الاسلاميه، چاپ دوم.
٤٨. وصّابى، عبدالرحمان بن عمر، ١٤٣٥ق / ٢٠١٤م، تاريخ وصّاب المسمّى الاعتبار فى التواريخ والآثار، تحقيق: عبدالله محمد الحبشى، صنعاء: مكتبة الارشاد، چاپ سوم.
٤٩. ياقوت الحموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت: دار صادر.